

بزرگداشت از روز جانباختگان جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م)، تجدید تعهد به تداوم مبارزه در جهت تحقق آرمانهای عالی انقلابی آنهاست

هفتم ماه قوس، روز اعدام رفیق اکرم یاری مؤسس "سازمان جوانان مترقی" و بنیانگذار جنبش دموکراتیک نوین توسط رژیم جنایتکاران «خلقی» پرچی است و داغ ننگ این جنایت و هزاران جنایت هولناک دیگر بر جبین این باند رویونیست مزدور تا ابد باقی خواهد ماند. حزب مزدور «دموکراتیک خلق» با انجام کودتای ننگین (7 ثور سال 1357) بکمک مستقیم ک گ ب (دستگاه جاسوسی) دولت سوسیال امپریالیسم «شوروی» قدرت دولتی را قبضه کرد. رژیم کودتائی و سوسیال فاشیستهای روسی که در (6 جدی 1358) افغانستان را به اشغال نظامی در آورده و تحت سلطه استعماری قرار دادند، طی یک ونیم دهه حاکمیت جنایتبارشان ده هاتن از رهبران و کدرهای جنبش انقلابی پرولتری از جمله رفیق اکرم یاری را بتاريخ (7) قوس سال (1358) و همچنین رفیق داکتر صادق یاری و چند هزار تن از اعضا و هواداران جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) و ده ها تن از رهبران و کدرهای جنبش ملی-دموکراتیک کشور از جمله فقید مجید کلکانی و صدها هزار تن از توده های خلق آزادیخواه را سبعمانه و جنایتکارانه بقتل رساندند.

در تاریخ مبارزات خلقها علیه طبقات استثمارگر (بعد از پیروزی کمون پاریس در سال 1871) قرن بیستم میلادی قرن پیروزی انقلاب های پرولتری است که با پیروزی انقلاب کبیراکتوبر در سال 1917 میلادی آغاز شده و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی برقرار گردید. بهمین صورت انقلاب های ملی - دموکراتیک در ویتنام شمالی و در چند کشور اروپای شرقی به پیروزی رسیده و نظامهای سوسیالیستی تشکیل شدند. با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین، دولت دموکراتیک خلق تشکیل گردیده و به انقلاب سوسیالیستی گذار نمود و دیکتاتوری پرولتاریا برقرار گردید. لیکن بامرگ رفیق استالین در سال 1953 میلادی، دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی بوسیله ای رویونیستهای مدرن " (خروشچفی) درون حزب و دولت سرنگون شده و تفرقه و بحران عمیقی در اردوگاه سوسیالیستی و جنبش بین المللی کمونیستی بوجود آمده و ضربه ای شدیدی بر پیشرفت انقلاب پرولتری در جهان وارد آمد. بابه شکست کشاندن انقلاب در اتحاد شوروی بخش بزرگی از اردوگاه سوسیالیستی به منجلا ب سرمایه داری سقوط کرده و به اردوگاه امپریالیسم جهانی پیوست و خلقها و ملل مظلوم و تحت ستم جهان بیش از قبل مورد تاخت و تاز و ابر قدرت امپریالیستی امریکا و سوسیال امپریالیسم «شوروی» قرار گرفتند. هر کدام از این ابر قدرتها با برخورداری از حمایت دبلوک امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی تحت رهبری شان در جهت تسلط بر خلقها و ملل تحت ستم جهان خاصاً در قاره های آسیا، افریقا و امریکای لاتین در رقابت شدیدی با هم قرار گرفته و «جنگ سرد» را بمنظور اغفال و گمراه کردن خلقهای کشورهای شان با شدت ادامه دادند. لیکن در آن شرایط چین انقلابی بر رهبری رفیق مائوتسه دون در رأس مبارزه علیه امپریالیسم و رویونیسم در سطح جهان قرار گرفته و چین منحصی پایگاه انقلاب جهانی در حمایت از جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای رهائیبخش ملی و در دفاع از منافع خلقهای زحمتکش جهان قرار داشت. رفیق مائوتسه دون منحصی یکی از رهبران بزرگ پرولتاریای جهان با آگاهی انقلابی اش به خطر ضدانقلاب جهانی (بلوک امپریالیستهای غربی و بلوک سوسیال امپریالیستها و ارتجاع همدست آنها در سطح جهان) و همچنین خطر رویونیستها و اپورتونیستها در درون احزاب کمونیست از جمله در درون حزب کمونیست و دولت چین، توجه جدی نمود. رفیق مائوتسه دون با اتکاب دیالکتیک ماتریالیستی و کشف تئوری "ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا"، انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی

رادرچین علیه رویزیونیستهای درون حزب و دولت آغاز کرده و برای یکدهه ادامه داد و بدین وسیله توانست انقلاب چین و دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی را از شکست بوسیله ای رویزیونیستهای «سه جهانی» برای یکدهه نجات دهد. ونیز رفیق مائوتسه دون بر ادامه مبارزه "بین دو خط" در سازمانها و احزاب کمونیست تأکید نمود. با آغاز انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی در نیمه دوم دهه شصت میلادی و تهاجم نظامی ابر قدرت امپریالیستی امریکا علیه خلقهای جنوب شرق آسیا و رویتنام، لائوس و کمبودیا؛ جنبشهای ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی در امریکا، اروپا و سایر کشورهای جهان اوج گرفته و توده های خلق و روشنفکران مترقی با اتکا به پایگاه انقلاب جهانی در چین، نه اینکه مرعوب تهدید امپریالیستها و سوسیال امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر نشده که مبارزه علیه آنها و ارتجاع همدست شان را هر چه بیشتر شدت و گسترش دادند.

در آن شرایط (دهه چهل خورشیدی) در افغانستان با الهام از انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی در چین و تأثیر پذیری از جنبشهای انقلابی پرولتری در سطح جهان حرکت انقلابی پرولتری بوجود آمده و "سازمان جوانان مترقی" بر مبنای خط ایدئولوژیک سیاسی (مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون) در سال 1344 خورشیدی ایجاد شده و جنبش دموکراتیک نوین فعالیتهايش را در نیمه اول سال 1347 بگونه علنی آغاز کرد. این حرکت انقلابی تحول بزرگ تاریخی بود که برای اولینبار رهبری مبارزات آزادی خواهانه و مترقی توده های خلق و روشنفکران مردمی تحت رهبری اندیشه های انقلابی پرولتری قرار گرفت. زیرا در عصر امپریالیسم و انقلاب های پرولتری رهبری این مبارزات بعهده ای پرولتاریا و حزب انقلاب آن است. فقید رفیق اکرم یاری منحیث یک کمونیست انقلابی در تشکیل "س ج م" و بنیانگذاری جنبش دموکراتیک نوین نقش اساسی و عمده ایفا نمود. در آن شرایط رویزیونیستهای وابسته و مزدور کرملین تشکل رویزیونیستی و ضدانقلابی را بنام «حزب دموکراتیک خلق» تشکیل داده سعی کردند تا از این طریق اذهان روشنفکران تعلق طبقات خلق را با اندیشه های ضدانقلابی رویزیونیستی مسموم سازند. بنابراین دو وظیفه مبارزاتی در برابر سازمان جوانان مترقی قرار داشت: یکی مبارزه علیه طبقات ارتجاعی حاکم (دولت) و حامیان امپریالیست و سوسیال امپریالیست آنها و دیگری مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی اصولی علیه رویزیونیسم خروشچفی. رفیق اکرم یاری در رهبری "س ج م" که جریان دموکراتیک نوین را رهبری می کرد، قرار گرفت و این مبارزه راتا حدوث مریمی اش موفقانه به پیش برد. خاندان نادر (دربار سلطنت) بعد از دهه ها سرکوب و اختناق و استبداد در اوایل دهه چهل خورشیدی فضای نسبتاً باز سیاسی را در کشور بوجود آوردند و باند های رویزیونیست «خلق» پرچمی که از پشتیبانی ابر قدرت سوسیال امپریالیسم «شوروی» و حمایت جناحی از دربار سلطنت (داوود) برخوردار بودند قبل از آغاز فعالیت علنی "س ج م" اندیشه های رویزیونیستی را در بین روشنفکران جامعه پخش کرده و شیادانه خود را مدافع خواستها و منافع کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان جا میزدند. از جانب دیگر آن کتله های بزرگ روشنفکران تعلق طبقات خلق از تجربه قبلی مبارزات انقلابی پرولتری برخوردار نبودند و به ماهیت ضدانقلابی رویزیونیسم و ترندهای رویزیونیستها آگاهی لازم نداشتند. این رفیق اکرم یاری بود که مسئولیت سنگین این مبارزه را بدوش گرفته و ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و طبقاتی رویزیونیسم "مدرن" را برای روشنفکران جامعه و توده های خلق افشا کرد. رفیق اکرم یاری که در رأس این مبارزه قرار داشت در تثبیت خط انقلابی پرولتری بر مبنای (م-ل-ا) نقش تاریخی را ایفا نمود. فقید اکرم یاری با آگاهی از تئوری های علم انقلاب پرولتری و شناخت از مرحله تکاملی آن که بوسیله ای رفیق مائوتسه دون صورت گرفته است، جنبش کمونیستی را بر مبنای خط اصولی و انقلابی ایجاد کرده و مبارزات روشنفکران مترقی و توده های خلق را علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم رهبری کرده و مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی اصولی را در افشای ماهیت رویزیونیسم "مدرن" به پیش برد. او با آگاهی از این اصل لنینی که "بدون مبارزه علیه رویزیونیسم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ممکن نیست"،

مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی علیه رویونیسم " مدرن" را همزمان با مبارزه علیه ارتجاع فئودال کمپرادوری و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم با جدیت به پیش برد. لیکن عده ای به غلط تشکیل سازمان جوانان مترقی را تنها به منظور مبارزه علیه رویونیسم خروشچی می دانند. نقش رفیق اکرم یاری در بنیانگذاری " س ج م" و جنبش دموکراتیک نوین برجسته بود. چنانکه در آن شرایط بودند روشنفکرانی که با ادعای « کمونیسم» در تشکیل " س ج م" سهم داشتند از جمله جناح " ه. م"؛ ولی اندیشه مائوتسه دون را منحصراً مرحله تکاملی مارکسیسم- لنینیسم قبول نداشته و درباره تسلط رویونیسم در اتحاد شوروی و انهدام نظام سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا و تغییر آن به نظام سوسیال امپریالیستی، دارای اغتشاش و انحراف فکری بوده و در موضع سنتریستی قرار داشتند. تجربه حدود نیم قرن جنبش کمونیستی افغانستان نشان داد که این عناصر نه اینکه از این نظر و موضع اپورتونیستی شان گسست نکرده که به منجلا ب رویونیسم غلطیدند. و جناح دیگری برهبری " داکتر فیض" در درون " س ج م" با آنکه خود را از طرفداران خط " م- ل- ا" وانمود میکرد؛ لیکن دچار انحراف اپورتونیستی بوده و در پروسه فعالیت‌های بعدی اش در منجلا ب رویونیسم «سه جهانی» سقوط کرد. و پیروان او «سازمان رهائی افغانستان» و «سازمان انقلابی افغانستان» تا کنون در همین خط و راه ضدانقلابی روان هستند. رفیق اکرم یاری در زمان بنیانگذاری " س ج م" و تثبیت خط ایدئولوژیک- سیاسی (م- ل- ا) در رهبری سازمان، مبارزه ایدئولوژیک سخی را به پیش برد. و قرار معلوم در زمان تشکیل " س ج م" علاوه بر اینکه تعدادی از اعضای مؤسس سازمان جوانان مترقی، " م- ل- ا" را منحصراً مرحله تکاملی مارکسیسم- لنینیسم قبول نداشتند، تعدادی هم ماهیت انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی و خدمات انقلابی جاودان رفیق مائوتسه دون در تکامل مارکسیسم- لنینیسم را بدرستی درک نمی کردند. و باین صورت رفیق اکرم یاری نقش تاریخی مهمی را در بنیانگذاری جنبش کمونیستی (م- ل- م) افغانستان ایفا کرده و جایگاه وی در تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی ماندگار گردیده است.

"تاریخ کلیه جوامع انسانی که تا کنون وجود داشته تاریخ مبارزه طبقاتی است" و توده های خلق در آفرینش تاریخ نقش قاطع داشته و در ادوار مختلف تاریخ با فعالیت‌های تولیدی و مبارزات طبقاتی چرخ تکامل تاریخ را به پیش رانده اند. و شخصیت‌های واقعاً انقلابی که در رهبری مبارزات طبقاتی توده های خلق قرار گرفته اند، محصول تکامل اجتماعی (بر اساس مجموعه ای مناسبات اجتماعی) و خصوصیات تکامل شخصی شان بوده و شرایط تاریخی مشخص آنها را برای انجام نقش معینی بوجود آورده و آنها خود بر آن شرایط و اوضاع اثر گذاشته اند. شخصیت‌های انقلابی در کارزار مبارزه طبقاتی انقلابی رشد و تکامل یافته و نقش برجسته و مؤثری را در رهبری مبارزات توده های خلق علیه طبقات ارتجاعی و امپریالیسم و پیروزی انقلاب های اجتماعی رهائی بخش ایفا کرده می کنند. از نظر ماتریالیسم تاریخی شخصیت های انقلابی در پراتیک اجتماعی و انقلابی، در پروسه مبارزه طبقاتی انقلابی؛ در ستمدهی، رهبری و تکامل مبارزات توده های خلق تأثیر می‌گذارند. و آنچه در مورد شخصیت‌های انقلابی قاطعانه معیار قضاوت و ارزیابی قرار می گیرد، جهانی، ماهیت خط ایدئولوژیک- سیاسی، موضعگیری طبقاتی از دید منافع طبقات خلق و نظرات و عملکرد های انقلابی آنها در عرصه مبارزه انقلابی است. رفیق اکرم یاری با فراگیری علم انقلاب پرولتری و باتجزیه و تحلیل ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه و مشخص کردن تضادهای طبقاتی، مسیر مبارزه انقلابی را علیه طبقات ارتجاعی استثمارگر و ستمگر و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم بر اساس (م- ل- ا) معین کرد. او قبل از همه هستی اجتماعی و اندیشه طبقاتی خودش را مورد نقد قرار داده و در کنار توده های خلق ایستاده و مبارزه طبقاتی و ملی را علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم به پیش برد. اینکه می گوئیم رفیق اکرم یاری قبل از همه به نقد خود پرداخت باین معناست که وی منحصراً یک روشنفکر از تعلق طبقات بالائی جامعه در پرتو مارکسیسم انقلابی از ایدئولوژی و فرهنگ و افکار و خصایل طبقاتی اش تا حد امکان گسست قاطع نموده و در نظر و عمل در سنگر مبارزه

طبقاتی انقلابی قرار گرفته و علیه طبقات ارتجاعی و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم حامی آن تا آخرین لمحہ حیاتش کہ بدست ناپاک و سیاہ رژیم باندهای جنایتکار «خلقی» پرچمی بقتل رسید به اندیشه انقلابی و راهش صادقانه و فادارماند. رفیق اکرم یاری مانند همه انقلابیون کمونیست درجهان مورد حملات خاینانه دشمنان طبقاتی گوناگون قرار گرفت. اواز جانب رویزیونیستهای «خلقی» پرچمی و مرتجعین جریان «اخوان المسلمین» و اپورتونیستهای کہ در درون " سازمان جوانان مترقی" و جریان دموکراتیک نوین وجود داشتند، مورد حملات خصمانه و فحاشی قرار گرفت. باندهای رویزیونیست «خلقی» پرچمیها مزدوران سوسیال امپریالیسم «شوروی» خاینانه رفیق اکرم یاری را « شهزاده و درباری» می خواندند. گروه انجینر عثمان کہ در رهبری جریان دموکراتیک نوین سهم داشت درسند" پس منظر تاریخی" کہ منتشر کرد، رفیق اکرم یاری را خاینانه مورد اتهامات دروغین و ناسزاگوئی قرار داد. «گروه انقلابی...» بر رهبری داکتر فیض درسند اپورتونیستی زیر عنوان «باطرد اپورتونیسم در راه انقلاب سرخ به پیش رویم» خاینانه اتهامات بی اساس را به رفیق اکرم یاری و رفیق داکتر صادق یاری وارد کرد از جمله: «اتهام داشتن مواضع خرده بورژوائی و ضدانقلابی و ضدکمونیستی، اتهام خط مشی ایدئولوژیک-سیاسی منحرف و غیر مارکسیستی، اتهام برخورد ضدانقلابی به مسایل، اپورتونیست، دارای ایدئولوژی ارتجاعی کہ "س ج م" را الجزار اپورتونیسم ساخت، اندیشیدن بمنافع شخصی، خودخواهی، فخر فروشی، شهرت طلبی، دارای انحرافات سوپرکتیویستی، امپریستی، دگماتیستی، دارای افکار اپورتونیستی و رویزیونیستی، مردم فریبی، آرایشگری دموکراسی و از این قبیل لاطیلات و ناسزاها». بهمین صورت جناح سنتریستی در درون "س ج م" بر رهبری "ه.م" خاینانه اتهام «درباری بودن» را به رفیق اکرم یاری وارد نمود. البته وارد کردن این گونه اتهامات و ناسزاگوئیها و فحاشیها از جانب طبقات ارتجاعی و امپریالیسم و قماشهای مختلف رویزیونیستها و اپورتونیستها و سایر جریانات سیاسی ضدانقلابی به شخصیتهای انقلابی واقعی منحصر به افغانستان نبوده و نیست. در تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی انواع رویزیونیستها و اشکال اپورتونیستها در کشورهای مختلف جهان در مقاطع زمانی مختلف کہ ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی ضدانقلابی و ضد مردمی و عمکردهای خاینانه ای آنها علیه خلق توسط کمونیستهای انقلابی برای توده های خلق افشا شده و ماسک از چهره ضدانقلابی آنها افتاده و دیگر نمی توانستند و یانمی توانند به اغوای توده های خلق ادامه دهند؛ لذا بزبانانه و به طرز جنون آمیزی به اتهامزنی و فحاشی متوسل شده و می شوند. و یا استخبارات دولتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی در جهت ضربت زدن به شخصیتها و گروه های کمونیست انقلابی اتهامات واهی و بی بنیاد بر آنها وارد می کنند. در افغانستان گروه های رویزیونیستی و اپورتونیستی بنام «سازمان انقلابی افغانستان» و «ساما-ادامه دهندگان» و عناصری از «ساوو» طی سه سال اخیر با سفاقت و ردالت، رفیق اکرم یاری را مورد توهین و ناسزاگوئی قرار داده و به اعضای جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) اتهامات دروغین زده، فحاشی کرده و نام و هویت ما را از طریق وب سایت استخباراتی «افغانستان-آزاد» به سازمانهای جاسوسی کشورهای امپریالیستی و دولتها و گروه های ارتجاعی معرفی می کنند. ولی باتمام خیانتها، تخریبکاریها و توطئه گریهای کہ از جانب قماشهای مختلف رویزیونیستها و اپورتونیستهای تسلیم طلب و سایر دشمنان رنگارنگ طبقاتی طی حدود نیم قرن علیه جنبش کمونیستی (م-ل-م) افغانستان و کمونیستهای و انقلابی انجام شده و می شود و بعلاوه کشتار رهبران جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) و چند هزار تن از هواداران جنبش دموکراتیک نوین توسط رژیم مزدور باندهای جنایتکار خلقی پرچمی و سوسیال امپریالیستهای روسی و گروههای ارتجاعی اسلامی جنایتکار نوکر امپریالیستهای غربی صورت گرفته است؛ اما جنبش انقلابی پرولتری با خط ایدئولوژیک-سیاسی (م-ل-م) کہ توسط رفیق اکرم یاری ترسیم شده است بیش از قبل به لحاظ کیفی رشد و تکامل یافته و بخشهای مختلف آن به مبارزه انقلابی علیه امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده مزدورانها و رویزیونیستها و اپورتونیستهای رنگارنگ تسلیم شده به امپریالیسم

واستعمار ادامه می‌دهند. همچنین امپریالیسم و ارتجاع بین المللی رذیلانه و جبونانه علیه رهبران بزرگ پرولتاریای جهان خاصاً رفیق استالین و رفیق مائوتسه دون اتهامات بی بنیاد زده و میزنند و با اجیر کردن ده ها تن نویسنده مرتجع و خود فروخته صدها مقاله، رساله و کتاب بر مذمت کمونیسم انقلابی و «بدنام کردن» رهبران بزرگ پرولتاریای جهان تحریر و منتشر کرده و با سفسطه و اراجیف گوئی، فروپاشی سوسیال امپریالیسم «شوروی» و بلوک سوسیال امپریالیستی «شرق» در سال 1991 را «ناکارائی و مرگ کمونیسم» تبلیغ می کنند؛ ولی کمونیسم انقلابی زنده است و منحنیث یگانه اندیشه نجاتبخش خلقهای زحمتکش جهان از سلطه ستم و استثمار امپریالیسم و ارتجاع جهانی به رشد و تکامل اش ادامه میدهد. کمونیستهای واقعاً انقلابی جهان هیچگاهی از شکست موقتی انقلاب های پرولتری مایوس نشده و پرچم انقلاب را همیشه برافراشته نگهداشته اند. و به حکم علم انقلاب پرولتری (م- ل- م) شکست و نابودی نظام سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع بوسیله ای مبارزات انقلابی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان و پیروزی انقلاب های پرولتری و تأسیس دیکتاتوریهای پرولتاریا و نظام های سوسیالیستی تحت رهبری کمونیسم انقلابی امر حتمی و انکارنا پذیر است.

- زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- مائونیسم!

- گرامی باد یاد رفیق اکرم یاری و سایر جانب‌باختگان جنبش دموکراتیک نوین!

- مرگ بر امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده آنها!

- مرگ بر باندهای جنایتکار «خلقی» پرچمی «سازائی» این قاتلین مردم افغانستان!

7 قوس سال 1394 (28 نوامبر 2015)

(پولاد)